

شوری

در قرآن و نهج البلاغه

در قرآن و نهج البلاغه
 اثر آیت الله العظمی جعفر سبحانی
 ۱۳۸۶
 ISBN 964-343-414-4
 ۳۰۰
 ۳۷۰
 ۳۷۰
 ۳۷۰

شوری

در قرآن و نهج البلاغه

در قرآن و نهج البلاغه
 اثر آیت الله العظمی جعفر سبحانی
 ۱۳۸۶
 ISBN 964-343-414-4
 ۳۰۰
 ۳۷۰
 ۳۷۰
 ۳۷۰

تألیف

آية الله العظمی جعفر سبحانی

تألیف

مطبعات و نشریات آیت الله العظمی جعفر سبحانی

۱۳۸۶

ISBN 964-343-414-4

۳۰۰

حضرت آیت الله العظمی سبحانی، ۱۳۰۸ -

شورا در قرآن و نهج البلاغه / تألیف آیت الله العظمی جعفر سبحانی . -

قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام ۱۴۳۰ ق = ۱۳۸۸

ISBN 978 - 964 - 357 - 416 - 1 ۱۱۶ ص.

کتابنامه به صورت زیر نویس

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیما

۱. شورا(اسلام). الف. مؤسسه امام صادق علیه السلام. ب. عنوان.

۲۹۷/۴۸۳۲

BP۲۳۱ / ۹ ش ۲ / ۱۳۸۸

اسم کتاب:
نگارش: حضرت آیت الله العظمی سبحانی
چاپخانه: مؤسسه امام صادق علیه السلام
ناشر: مؤسسه امام صادق علیه السلام
تاریخ: ۱۴۳۰ / ۱۳۸۸ ق
چاپ: اول
تعداد: ۲۰۰۰

مرکز بخش

قم - میدان شهدا، کتابفروشی توحید

۰۹۱۲۱۵۱۹۲۷۱ : ۰۷۷۴۵۴۵۷ ☎

<http://WWW.imamsadiq.org>

WWW.shia.ir

فهرست مطالب

- پیش‌گفتار چاپ دوم..... ۹
- جایگاه شورا و رعایت: مرزها..... ۹
- شورای واقعی نه شعار شورا..... ۱۰
- حدود و جایگاه شورا..... ۱۲
- مقدمه مؤلف..... ۱۵
۱. مشاوره در قرآن : ۱۵
- الف. توضیح و بررسی واژه‌های مشورت و امر..... ۲۲
- ب. نظر شوری برای پیامبر الزام آور نیست..... ۲۷
- سخنانی از بزرگان تفسیر و سیره..... ۲۹
- ج. مورد مشورت کجا است؟..... ۳۲
- د. شوری در امور مردمی است، نه الهی..... ۳۶

۲. نهج البلاغه و مسأله شوری

۱. ارزش مشورت..... ۴۲
۲. با چه کسی به مشورت پردازیم؟..... ۵۰
۳. امام و مشاوران..... ۵۴
۴. استدلال امام بر خلافت خود از طریق شوری..... ۵۷
- نقل متن نامه از کتاب «وقعه صفین»..... ۶۲

۵. نظر امام درباره شورایی که خلیفه اول را برگزید..... ۶۶

نظر امام درباره شورای سقیفه..... ۶۶

۱. تکیه بر مصاحبت..... ۶۷

۲. غیبت صاحبان نظر در شورای سقیفه..... ۶۸

۶. نظر امام درباره شورای شش نفری خلیفه دوم..... ۶۹

الف. انگیزه قتل خلیفه چه بود؟..... ۷۱

کارگر ایرانی از خلیفه دادخواهی می کند..... ۷۴

ب. خلیفه چگونه اعضاء شورا را برگزید؟..... ۷۹

تجزیه و تحلیل رویداد شوری..... ۸۶

۷. با دیگر سخنان امیر مؤمنان علیه السلام پیرامون شوری آشنا شویم... ۱۰۱

..... ۲

..... ۵

..... ۶۶

..... ۶۶

..... ۶۶

..... ۶۶

..... ۶۶

..... ۶۶

..... ۶۶

..... ۶۶

..... ۶۶

..... ۶۶

پیش گفتار چاپ دوم

جایگاه شورا و رعایت مرزها

سخن درباره جایگاه والای «شورا» و «هتم اندیشی» به سان سخن گفتن در گزاره‌های بدیهی است، زیرا هم افزایی دو اندیشه، به سان تلاقی دو سیم مثبت و منفی است که از آن نور و انرژی پدید می‌آید و افق‌ها را روشن می‌سازد. یک فرد، هرچه هم از نظر فکر و اندیشه بالا باشد، احاطه او به تمام جوانب موضوع، کار ساده‌ای نیست، در حالی که اگر فکر خود را در میان جمعی آگاه و بی‌غرض و دلسوز مطرح کند، می‌توانند او را بنا بر نقاط روشن و تاریک موضوع، آشناتر سازند.

البته استفاده از اندیشه دیگران، بدین معنی نیست که انسان، دستگاه اندیشه خود را تعطیل کند، بلکه با به هم پیوستن اندیشه‌ها افق بیشتری را پیش روی خود، روشن می‌سازد، در حقیقت انسان با مشاوره از سرمایه فکری دیگران نیز به صورت رایگان، بهره می‌گیرد، و لذا امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: مَنْ شَاوَرَ رَجُلًا مِنْكُمْ فِي شَيْءٍ فَهُوَ كَأَنَّهُ شَاوَرَ عَشْرًا مِنْكُمْ

«من شاور الرجال شاركها في عقولها» (۱).

شاید برخی از ساده‌دلان، تصور کنند که تشکیل مجالس شورا،

و نظام دمکراتیک، یکی از اندیشه‌های وارداتی است که از غرب به شرق وارد شده، در حالی که روزگاری که غرب، در خواب غفلت فرو رفته بود، کتاب آسمانی ما، و روایات پیشوایان، به چنین اصل اساسی در زندگی دعوت مؤکدی داشته‌اند، و شاهد آن امر به مشورت، در کتاب آسمانی ما، قرآن مجید است که می‌فرماید:

﴿وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى

اللَّهِ﴾^(۱)

«در کارها با آنان مشورت بنما و هرگاه تصمیم‌گرفتی

به خدا توکل کن».

و در آیه دیگر، یکی از صفات مؤمنان را مشاوره در امور

اجتماعی خویش می‌داند و می‌فرماید:

﴿وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ﴾^(۲)

شاعر نغز پرداز در این مورد دو بیت دارد که یادآور می‌شویم:

اگر مرا و تو عقل خویش کافی بود

چرا به امر خداوند، امر بر شوری است

بدین دلیل «یدالله مع الجماعة» سرود

که با جماعت، دستی قوی، یدی طولی است

شورای واقعی نه شعار شورا

البته در متن کتاب، آیات و روایاتی که مربوط به لزوم مشورت

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۵۹.

۲. سوره شوری، آیه ۳۸.

در تار و پود زندگی است از نظر شما خواهد گذشت، ولی در این جا که به عنوان پیش‌گفتار برای کتابی نوشته می‌شود که ۳۰ سال قبل چاپ و منتشر شده، توجه شما را به دو مطلب جلب می‌کنیم: از آنجا که مشورت، یک پدیده زیبا است و آهنگ دلکشی دارد، نوع حکومت‌ها، از آن به عنوان شعار، استفاده کرده و ذر حقیقت می‌خواهند دموکراسی را برای بشر به ارمغان بیاورند و این که انسان‌ها اعم از نیرومند و ناتوان و بی‌نیاز و نیازمند، در اداره کشور شریک و سهیم باشند، و لذا نمایندگان خود را برای تصمیم‌گیری در امور کشوری به مجالس شورا اعم از شوراهای شهر و روستا و شورای ملی بفرستند، این نوع شعار بسیار شعار زیبایی است، ولی متأسفانه در مقام عمل، شوراها، تبدیل به استبداد می‌گردد و حکومت جمعی، به صورت حکومت فردی درمی‌آید یا جمعیتی‌اندک سرنوشت میلیون‌ها نفر را به دست می‌گیرند. دور نویم اتحاد جماهیر شوروی، مدعی دموکراسی و تصمیم‌گیری شورایی بود، ولی در حکومت هشتاد ساله خود، جز دیکتاتوری و قلع و قمع و کشتار میلیونی کشاورزان مخالف و سرانجام فروپاشی چیزی به بار نیاورد: در کشور فرانسه، که مدعی آزادی و حل و فصل امور از طریق شوراهاست، بدترین دیکتاتوری پیاده می‌شود و ده میلیون مسلمان از اجزای برخی از احکام دینی خود (حجاب) محروم می‌گردند.

از این جهت، باید به اهمیت شورا پی برد و از شعار توخالی و

فرب شعارسازان گریخت.

حدود و جایگاه شورا

شورا هر چند از اهمیت والایی برخوردار است، ولی قلمرو محدودی دارد، آنجا که عقل بزرگ و شریعت آسمانی، تکلیف انسان را در برخی از قلمروها معین کرده باشد، جای مشورت نیست. مشورت در موردی است که موضوع از نظر حکم، مبهم و پوشیده باشد، ولی آنجا که وحی الهی که خیطانپذیر است، تکلیف انسان را روشن ساخته باشد و ابهامی در میان نباشد، موضوعی برای مشورت باقی نمی ماند. اینجانب یادآور می شوم که قبل از آن به مشاوره پردازید اگر نتیجه نداد استخاره کنید.



پس از درگذشت پیامبر ﷺ، مسأله خلافت در سقیفه بنی ساعده به صورت ظاهر رنگ شورا به خود گرفت (هر چند آنچه که در میان نبود شور و مشورت واقعی بود)، و پس از درگذشت خلیفه اول، خلیفه دوم، بدون تشکیل چنین شورایی به خلافت منصوب شد، و خلیفه سوم نیز با تشکیل یک گروه شش نفری به نام شورا که در واقع نتیجه کار آن از پیش تعیین شده بود، بر سر کار آمد. بگذریم از این شوراهاى فرمایشی، و ببینیم آیا مقام خلافت و امامت کبری از اموری است که به مردم واگذار شده تا در سایه شورا و هم اندیشی، اصلح را انتخاب کنند و پایه سان مقام نبوت، یک امر

آسمانی است که باید خدا آن را تفویض کند، بنابراین، جایگاه آیاتی که ما را به مشورت دعوت می‌کند، موضوعات مربوط به زندگی خود مردم است، نه امور مربوط به شریعت و احکام الهی. قرآن می‌فرماید:

﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مِؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَىٰ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا﴾ (۱)

«هیچ مرد و زن با ایمانی حق ندارد هنگامی که خدا و پیامبرش، امری را لازم بدانند، اختیاری در برابر فرمان خدا داشته باشند و هر کس خدا و رسولش را نافرمانی کند به گمراهی آشکاری گرفتار شده است.»

با توجه به آنچه که گفته شد باید به مشورت در امور زندگی اجتماعی و سیاسی اهمیت داد و در عین حال، جایگاه آن را از نظر موضوع روشن ساخت.

از قرآن کریم استفاده می‌شود، مقام امامت از امور انتخابی، و داخل در جمله ﴿وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ﴾ نیست، بلکه عهدی الهی و خلعتی آسمانی است که آن را بر اندام پاک‌ترین و کامل‌ترین انسان‌ها می‌پوشاند و به همگان دستور می‌دهد که از او فرمان ببرند، چنان که در آیه «ابتلاء» می‌فرماید:

﴿وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي

جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ
عَهْدِي الظَّالِمِينَ»^(۱)

«آنگاه که خداوند، ابراهیم را به وسایل گوناگونی
آزمود، او به خوبی از عهده آزمایش‌ها برآمد، خداوند
به او فرمود: من تو را پیشوای مردم قرار می‌دهم.
ابراهیم عرض کرد: از دودمان من نیز امامانی قرار بده،
خداوند فرمود: پیمان من به ستمکاران نمی‌رسد».

در تاریخ پیامبر اسلام، می‌خوانیم که برخی از رؤسای قبایل
وارد مکه شدند و پذیرفتند با او بیعت کنند، و آیین او را در میان
قبایل خود، گسترش دهند، مشروط بر این که پس از درگذشت
پیامبر، رهبری با آنان باشد. پیامبر در پاسخ فرمود: «الأمر إلى الله
يضعه حيث يشاء»^(۲).

از این رو، علاقه‌مندان این اصل اسلامی، که روح تازه‌ای به
جامعه می‌بخشد و دموکراسی اسلامی را حاکم می‌سازد، باید توجه
کنند که مرزهای مشورت و رأی‌گیری، و موضوع اقلیت و اکثریت،
کاملاً رعایت شود و مرزها به هم نخورد.

قم - حوزه علمیه

جعفر سبحانی

۸۸/۲/۲۲

۱. سوره بقره، آیه ۱۲۴.

۲. سیره ابن هشام.